

اروپا بهشت نیست / سوغاتی جالب آیت الله خزعلی از آلمان

اشتراک در شبکه‌های اجتماعی:

آدرس صفحه: <https://mav>



[1]

اسلام نقش پدر و مادر را در تربیت پررنگ می‌داند

گفت‌وگو از محسن سیمائی

اشاره: سیزده سال حضور تبلیغی در اروپا به عنوان مدیر مراکز اسلامی وین، اتریش و هامبورگ آلمان، آیت الله رضا رضانی گیلانی را به شخصیتی برجسته و آشنا به ابعاد گوناگون زندگی غربی تبدیل کرده است. گفت‌وگوی عیدانه ما با این عضو مجلس خبرگان رهبری و نویسنده کتاب «...»، درباره خانواده، زندگی اروپایی، تربیت فرزند در غرب، زندگی مسلمانان خارج از کشور، ویژگی‌های مثبت و منفی غربی‌ها و ... را در ادامه بخوانید.

در شرایط امروز کشورمان، پیام‌هایی در فضای مجازی با این مضمون منتشر می‌شود که مثلاً: «ما چند صدم درصد احتمال داشت در ایران به دنیا بیایم و متأسفانه این اتفاق افتاد و در یک کشور اروپایی به دنیا نیامدیم». آیا واقعاً زندگی اروپایی در اوج به سر می‌برد و جای حسرت خوردن دارد؟

ما در انتخاب جهان‌بینی خودمان باید حساس باشیم. اگر می‌خواهیم مؤمنانه زندگی کنیم و خدا در رأس زندگی ما حضور داشته باشد، طبیعتاً در محیط‌های اسلامی و دینی بهتر می‌توان فضای امن را احساس کرد و زندگی خوبی را برای خود رقم زد. کسانی که این نگرش را دارند، باید نگاهشان را به مفهوم زندگی اصلاح کنند و به نگاهی دقیق‌تر برسند. چنین نیست که افراد دین‌دار، زندگی در غرب را ترجیح بدهند. اتفاقاً خیلی از مسلمانان ساکن آنجا، حسرت می‌خورند که ما چرا در یک جامعه دینی حضور نداریم تا از جهاتی مانند خرید مواد غذایی، راحت‌تر باشیم و دین‌داری بر ایمان آسان‌تر باشد. کسانی که نگاه حسرت‌آمیز به غرب دارند، شناختشان دقیق نیست. من گاهی می‌شنوم که می‌گویند: اروپا بهشت است! اصلاً چنین چیزی نیست.

مشکلات غربی‌ها زیاد است؟

غرب هم مشکلات زیادی دارد. از جمله مشکلات غرب، بی‌هویتی در نسل جوان است. بنده در شهری در شرق آلمان بودم که 70 درصد اهالی آن لائیک زندگی می‌کنند. یا برای مثال در نظام آموزشی غرب، هیچ اثری از دین وجود ندارد. در حالی که در

نظام آموزشی ما و فضاهای تربیتی‌ای مانند مسجد، فرزندان اهل دین تربیت می‌شوند. شما آمار افرادی را ملاحظه کنید که در آنجا مبتلا به بیماری‌های گوناگون روحی و روانی هستند. افراد زیادی با مصرف دارو یا راه‌های دیگر می‌کوشند خود را به یک آرامش مقطعی برسانند. خب! قاعدتاً اگر آنجا بهشت باشد، نباید این آمارها هم وجود می‌داشت. پیشنهاد من این است که در کشور ما، دوره‌های غرب‌شناسی به لحاظ ساختاری، فکری، فرهنگی، خانوادگی، آموزشی، پژوهشی و مانند این‌ها برگزار شود و مردم با حقیقت غرب آشنا شوند. البته از خوبی‌های آن‌ها هم نباید چشم پوشید؛ چون برخی، غرب را که می‌بینند، دافعه دارند و هیچ چیز غرب را نمی‌پذیرند. از آن طرف، برخی وقتی به غرب می‌روند، شیفته طواهر آن می‌شوند و بدی‌ها را نمی‌بینند. نگاه درست این است که ما گزینشی برخورد کنیم. نه غرب‌ستیز و غرب‌گریز باشیم، نه اینکه آن‌ها را از همه جهت سرآمد بدانیم. یکی از مشکلات مهم غرب، ولنگاری و اباحه‌گری است که بر پایه لیبرالیسمی در آنجا گسترش یافته است. مسئله‌ای که اتفاقاً خودشان هم از آن خسته شده‌اند. بسیاری از شهروندان کشورهای غربی، احساس بی‌هویتی می‌کنند و با خود می‌گویند: سرانجام که چه؟ این همه آزادی برای انجام هر خطا می‌خواهد مرا به کجا برساند؟

خانواده در اروپا چه شرایطی دارد؟ آیا خانواده با تعریفی که ما داریم، در آنجا وجود دارد؟

ما معتقدیم نظام خانواده می‌تواند کانونی گرم باشد که به انسان، مسئولیت‌پذیری می‌آموزد. ابتدایی‌ترین مسئولیت‌ها را انسان در خانواده می‌آموزد. از سوئی در خانواده، پنج حق وجود دارد: حق مرد در برابر زن، حق زن در برابر مرد، حق پدر و مادر نسبت به فرزند، حق فرزندان نسبت به پدر و مادر و رابطه فرزندان با یکدیگر. چون فضای آموزشی در غرب، سکولار است، بی‌شک این فضا در نوع تربیت خانوادگی هم تأثیر دارد؛ یعنی در نهایت آن فرزندی که تربیت می‌شود، در حالت خوش‌بینانه، یک سکولار است و دین را امری شخصی می‌داند. هر چند که الآن حتی کشیشان حاضر در اروپا هم شاکیانند که چرا جوانان حتی هفته‌ای یک بار هم برای دین وقت نمی‌گذارند و در کلیسا حاضر نمی‌شوند؛ علتش این است که فضا به لحاظ اخلاقی، چندان آزاد گذاشته شده که در برابر فضیلت‌هایی مانند ازدواج، مادر شدن و ... علامت سؤال می‌گذارند. از سوئی، درخواست‌هایی مانند هم‌جنس‌گرایی به راحتی مطرح می‌شود. نتیجه فضای آموزشی آن‌ها این است که حس مسئولیت‌پذیری ندارند. حتی اگر مشکلی برای کسی پیش بیاید، می‌گویند: این مشکل شماس است!

در آموزه‌های اسلام یا به تعبیری در خانواده اسلامی، چقدر بُعد مسئولیت‌پذیری افراد تقویت می‌شود؟

یک شخص پایبند به آموزه‌های اسلام، هیچ‌گاه در برابر مشکلات دیگران نمی‌گوید: «بخشید! این مشکل شماس است!» بلکه می‌گوید: «مشکل شما، مشکل ما هم هست». چنان که در روایات اشاره فرمودند: «مؤمنان به منزله یک بدن هستند که در برابر هم مسئولیت دارند». «مایکل کوک» در کتاب «...» در آمریکا رخ داده بود؛ مورد اول اینکه به یک زن تجاوز می‌کردند و هیچ پرداخته است. او یک شهروند انگلیسی است. دو اتفاق در آمریکا رخ داده بود؛ مورد اول اینکه به یک زن تجاوز می‌کردند و هیچ کس در این تجاوز علنی از آن زن دفاع نکرد. مورد دوم اینکه یک دختر را با چاقو کشتند و کسی اعتراض نکرد؛ آن چند نفری هم که آمدند شهادت دادند، برای همین یک مقدار مسئولیت‌پذیری، به عنوان شهروند نمونه مورد تقدیر قرار گرفتند؛ سپس اشاره می‌کند که آیا بین ادیان الهی، دینی هست که حس مسئولیت‌پذیری را به جامعه تزریق کند؟ دیدند که اسلام، این آموزه‌ها را دارد. حقیقتاً اسلام و محیط‌های آموزشی اسلامی، حس مسئولیت‌پذیری را به افراد گوشزد می‌کنند. این فضای آموزشی در خانواده هم وجود دارد.

پدر و مادران اروپایی چقدر در تربیت فرزندان حساس و مراقب‌اند؟

تعلیم و تربیت در غرب به کلی از پدر و مادر گرفته و به آموزش و پرورش سپرده شده است. حتی اگر مسئول آموزش، خراشی روی دست بچه ببیند، به او می‌گوید: اگر پدر و مادرت به تو آسیبی رسانده، به ما بگو که تأدیشان کنیم. پدر و مادر جرئت برخورد با فرزند را ندارند. از سوی دیگر، همه امکانات هم در فضای آموزشی در اختیار این بچه‌ها قرار می‌گیرد و اعتماد بچه را به فضای آموزشی جلب می‌کنند. نظام تربیتی آن‌ها - برخلاف نظام اسلامی - آموزش‌محور است و پدر و مادر در آن نقشی ندارند؛ اما اسلام پدر و مادر را دارای نقش بسیار کلیدی در تربیت فرزند می‌داند و البته فضای آموزشی هم در جای خود تأثیرگذار است. برخی نگاهی بسیار تند دارند که اصلاً در غرب خانواده‌ای وجود ندارد. حقیقتاً این نگاه درست نیست. مثلاً ما در کوچه‌ای که ده سال ساکن بودیم، افراد متشخصی بودند که پنج فرزند داشتند و به آن‌ها محبت و عشق می‌ورزیدند؛ اما با همان فرهنگ خودشان زندگی می‌کردند. اینکه بگوییم آن‌ها نسبت به فرزندان بی‌تفاوت هستند و عاطفه‌ای نسبت به فرزند ندارند، حرف درستی نیست. شاید در گوشه و کناری این اتفاق افتاده باشد، اما فضای غالب چنین نیست. اصلاً این‌گونه بررسی کردن وضعیت خانواده در غرب نمی‌تواند چیز زیادی دستگیرمان کند. باید خانواده غربی را اساسی بررسی کرد. مابقی آن‌ها برخلاف ماست که نقش پدر و مادر را در تربیت، بسیار پررنگ می‌دانیم و از همان بدو تولد می‌گوییم باید اسم خوب برای فرزند انتخاب کنند، محبت را از او دریغ نکنند، او را بیوسند، برایشان دعا کنند، حتی برای خطاهای آن‌ها، استغفار کنند.

شما اشاره فرمودید که در یک نگاه متعادل، نباید از محاسن و خوبی‌های غرب چشم‌پوشی کرد. لطفاً ویژگی‌های خوب و مثبت آن‌ها را هم بیان کنید.

- التزامات حقوقی آنها خیلی برجسته است. همواره می‌کوشند حقوق متقابل را بشناسند و به آن عمل کنند.
- وقتی صاحب فرزند می‌شوند، می‌کوشند وظایف خود را نسبت به فرزندان عملی کنند و ارتباط تعاملی با مربیان تربیتی بچه‌ها داشته باشند. در واقع بحث اولیاء و مربیان که یک خلأ مهم در کشور ماست و باید به‌جد پیگیری شود، در آنجا به‌خوبی پرداخته شده است و بچه چندشخصیتی بزرگ نمی‌شود.
- مهم‌ترین ویژگی آنها صداقت است. هرگز به یکدیگر دروغ نمی‌گویند. اصلاً در زندگی، بنای دروغ گفتن ندارند و دروغ در فضای زندگی‌شان، امری بی‌مفهوم است. نه تنها در خانواده، بلکه در تعاملات اجتماعی هم صداقت را مدنظر قرار می‌دهند. مرحوم آیت الله خزعلی آمده بودند آلمان. آنجا که سخنرانی کردند، گفتند: «اگر من به ایران برگردم، به من بگویند سوغاتی چه آوردی؟ می‌گویم سوغاتی خوبی آوردم و آن این است که غربی‌ها دروغ نمی‌گویند». البته در حاکمیت سیاسی‌شان هرگز این‌گونه نیست. سیاست آنها پر از بی‌صداقتی و فریب است. اصولاً این ویژگی‌هایی که ما ذکر می‌کنیم، خارج از مقوله حاکمیتی آنهاست.
- جلب کردن حس اعتماد یکدیگر برایشان خیلی مهم است. مثلاً یک زن و مرد در آنجا نباید پنهان‌کاری داشته باشند؛ این‌ها در دین ما هم فضیلت است که زن و مرد باید به هم اعتماد داشته باشند و رفیق راه باشند. ما متأسفانه آسیب‌های زیادی را از پنهان‌کاری و شفاف نبودن همسران در کشور خودمان می‌بینیم که لازم است خودمان را در این زمینه‌ها تقویت کنیم.
- در بحث علمی، بودجه آموزشی و پژوهشی آنها خیلی زیاد است. پژوهش‌های آنها معمولاً با وضعیت کشورشان متناسب است و دردی را از جامعه‌شان دوا می‌کند.
- ویژگی خوب دیگر آنها این است که هرگز در پیشرفت‌های دیگران جست‌وجو نمی‌کنند.

آیا این از بی‌تفاوتی آنها نسبت به هم نشئت نمی‌گیرد؟

نمی‌شود این را به‌طور مطلق بی‌تفاوتی دانست؛ بلکه هر چیزی را تعریف می‌کنند و با توجه به تعریف آن، استراتژی رفتاری خود را برمی‌گزینند. معنای بی‌تفاوت نبودن مورد تأیید اسلام هم این نیست که ما به‌طور مطلق با تفاوت باشیم و حتی در امور خصوصی زندگی دیگران هم تجسس کنیم. بی‌تفاوت نبودن در اسلام به معنای ادای حق همسایگی، آزار نرساندن، یاری رساندن برای حل مشکلات و ... است. ویژگی مثبت آنها این است که تجسس نمی‌کنند. با خودشان می‌گویند به من ربطی ندارد که چرا فلانی ماشینش را عوض کرده، چرا خانه جدید گرفته. ورود به این حیطه را خارج از شرح وظایف زندگی خود می‌بینند.

مهم‌ترین جاذبه اسلام و خانواده‌های مسلمان برای غیر مسلمان‌های اروپا چه بوده است؟

آنجا بیشتر از آنکه تئوری نقش داشته باشد، تحت تأثیر اعمال مسلمانان قرار می‌گیرند. وقتی ببینند مسلمانان تعبد دارند، برایشان جذاب است. برخی رفتارهای مسلمانان (مانند اینکه دست مادرشان را می‌بوسند) در فرهنگ غربی وجود ندارد و وقتی در مسلمانان می‌بینند، برایشان جذاب است. امروزه جمعیت قابل توجهی در غرب دوست دارند با اسلام آشنا شوند؛ البته رسانه آنها نمی‌گذارد این عطش در همه ایجاد شود. بیش از 90 درصد رسانه‌های غربی در دست صهیونیست‌هاست. من وقتی در ایران بودم، گاهی گمان می‌کردم این‌ها جاهل مقصردند؛ یعنی اسلام به آنها عرضه شده است، اما نپذیرفته‌اند؛ اما وقتی فضای حاکم بر آنجا را از نزدیک دیدم، دریافتم که جاهل قاصرند. اصلاً زمینه‌ای برایشان فراهم نشده که اسلام به گوششان بخورد. اگر هم در فضای رسانه‌ای آنها بحثی از اسلام می‌شود، اسلام را جور دیگری معرفی می‌کنند. مثلاً یکی از بحث‌های رایج این است که آنها می‌گویند اسلام به حقوق زنان پرداخته است. در حالی که در حقیقت این‌گونه نیست. اتفاقاً نگاه اسلام به زنان، نگاه ابزاری نیست. در اسلام زن، انسانی است که می‌تواند در مسیر تکامل قرار بگیرد. حتی در قرآن و روایات، زنان زودتر از مردان مورد خطاب قرار گرفته‌اند و در بین زنان، افرادی هستند که الگوی مردان و معلمان عرفان و حماسه شناخته شده‌اند. در قرآن، سوره‌ای به نام زنان داریم و پیامبر اسلام (ص) بزرگ‌ترین قربانی دفاع از حقوق زنان بوده است و بی‌مهری‌های زیادی در این باره به ایشان صورت گرفته است.

مسلمانان به‌راحتی می‌توانند در اروپا زندگی کنند؟ زندگی‌شان بیشتر اسلامی است یا تحت تأثیر فرهنگ غربی؟

طبیعتاً فرهنگ غرب در زندگی مسلمانان آنجا نیز تأثیر گذاشته است. مسلمانان زیادی نتوانستند بچه‌هایشان را در مسیر اسلامی نگه دارند. حتی برخی، فرهنگ زبانی‌شان را هم از دست می‌دهند و افراد زیادی را می‌شناختیم که به‌زحمت می‌توانستند فارسی صحبت کنند. این تأثیر پذیری مشهود است و نمی‌توان انکار کرد. از طرفی دیدگاه‌های اسلام در بین خود مسلمان‌ها هم وجود دارد. مثلاً در مراسم عاشورا، برخی مدافع اموری مانند قمه‌زنی بودند و برخی حتی با روضه و سینه‌زنی مخالفت می‌کردند. با این حال مسلمان‌هایی داریم که تمام تلاششان را می‌کنند به توصیه‌های دین عمل کنند و مراقب باشند مبادا گناهی کنند.

برچسب‌ها:

[خزعلی، ارویا، اسلام](#) [2]

<https://mava.iki.ac.ir/node/797> نشانی منبع:

پیوندها

<https://mava.iki.ac.ir/files/images/articles/253525.jpg> [2] [1]

<https://mava.iki.ac.ir/tag/%D8%AE%D8%B2%D8%B9%D9%84%DB%8C%D8%8C-%D8%A7%D8%B1%D9%88%D9%BE%D8%A7%D8%8C-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85>